

چهار دست هنرمند و «هفت مینیاتور» عشق | مداد؛ مجله آنلاین مونترال

مهرشید و هورشید افرخته، دو هنرمند جوان مونترالی هستند که در نواختن پیانو یک ویژگی منحصر به فرد دارند و همین ویژگی، آنها را از پیانیست‌های دیگر متمایز می‌کند. مهرشید و هورشید می‌توانند همزمان روی یک پیانو و با هم قطعه‌ای را بنوازند.

حالا این دو پیانیست دوقلو قرار است شنبه ۲۵ آوریل در آمفی تئاتر DU Gesu، به مناسبت دهمین سال تاسیس گروه موسیقی‌شان که «twinmuse» نام دارد، کنسرتی چندرسانه‌ای اجرا کنند.

مهرشید و هورشید در گفت‌وگو با «مداد» از راه پرفراز و نشیبی که پشت سر گذاشتند و تجربیاتشان سخن گفته‌اند. همچنین درباره برنامه پیش‌رو که اجرای قطعات پیانویی ساخته «تیم برادی، آندره حسین و علی رضا مشایخی» است. این برنامه از سوی گروه فرهنگی - هنری میزانشن (MiseEnScen) برگزار خواهد شد.

آنها هدف خود از این کنسرت چند رسانه‌ای، را ایجاد یک رابطه فرهنگی و دوستانه بین ایران و کانادا می‌دانند و با تاکید بر این که در این کنسرت موسیقی و زبان فارسی را به گفت‌وگو با فرهنگ و موسیقی کانادایی در می‌آورند، برای دوستی و صلح هر چه بیشتر بین همه ملت‌ها آرزو کردند.

گفت‌وگو با این دو هنرمند با خاطره‌ای شیرین از دوقلو بودن‌شان آغاز شد، ماجراهایی که خیلی از دوقلوها به خاطر شباهتشان با آن درگیر هستند. مهرشید با یادآوری این خاطره می‌گوید: «یکی از خاطراتی که داریم این است که روز امتحان ورودی کنسرواتوار در فرانسه، وقتی نواختن قطعه پیانو را تمام کردم یکی از اعضای هیئت ژوری بلند شد و تصمیم گرفت که با من از سالن بیرون بیاید تا به خوبی مطمئن شود که دوباره وارد سالن نشوم و احتمالاً به جای خواهرم دوباره امتحان ندهم! خواهرم پشت در منتظر بود که بعد از امتحان من وارد شود. پس در نتیجه وقتی من را با ژوری دید خیلی تعجب کرد! بعد، ژوری از او خواست که وارد سالن شود و مطمئن شد که من پشت در بمانم!»

او در حالی که لبخند به لب دارد ادامه می‌دهد: «خوشبختانه هیچ وقت به جای همدیگر امتحان ندادیم، چون اولاً این موضوع اصلاً امکان‌پذیر نبود، دلیلش هم این بود که امتحانات همه به صورت همزمان برگزار می‌شدند. دوم اینکه، برایمان جذابیت خاصی نداشت چون همیشه هر دوی ما برای امتحان خیلی خوب حاضر می‌شدیم و با هم در یک رقابت مثبت بودیم.»

در ادامه هورشید از این که چطور شد تصمیم گرفتند از دو قلوبودنشان کمک بگیرند و دو نفری با هم بنوازند گفت: « خوشحال هستیم که این سوال رابطه دو قلوبی و دو نوازی پیانو را از ما می‌کنید چون برای بسیاری این موضوع بسیار مبهم و با باورهای کلیشه‌ای همراه است.

دونوازی برای ما یکی از جنبه‌های نواختن پیانو بوده و هست. چون باید، در قدم اول، تکنواز خوبی بود تا توانست به هنر دونوازی پرداخت. خیلی واضح بگویم، به خاطر خواهر دو قلوبودن و نزدیک بودنمان به یکدیگر، خیلی سخت‌گیر هستیم و بسیار به عمق مطالب می‌رویم، زمان بسیاری را با هم برای به نتیجه رسیدن ایده‌های موسیقی می‌گذرانیم و جزئیات را با دقت خاصی بررسی می‌کنیم. هر دو مان بسیار دیر از نتیجه راضی می‌شویم و تلاش مستمر می‌کنیم که مهارت نوازندگی مان را روز به روز بالا ببریم و با هم پیشرفت کنیم. پس بهتر است بگویم که اتفاقاً برعکس این موضوع است که از دو قلوبوی «کمک» می‌گیریم که با هم بنوازیم! چرا که دونوازی مخصوصاً روی یک ساز، از طرفی بسیار لذت‌بخش است و از طرف دیگر کار بسیار سخت و موشکافانه و دقیقی است که از بعضی جهات بسیاری با تکنوازی فاصله دارد. در رشته دونوازی هر یک از پیانیست‌ها باید مهارت تمام در نواختن قسمت خود را داشته باشد. از این زمان کار تازه شروع می‌شود. یعنی باید با هم بنشینیم و ایده‌هایمان را تنظیم کنیم، در مورد چگونگی فرم دادن هر خط موسیقی، سرعت قطعه، کاراکتر، استفاده از پدال و بسیاری از موضوعات دیگر. باید با هم صحبت کنیم و به نقطه نظر «مشترک» برسیم. وقتی به نقطه نظر مشترک رسیدیم، سعی کنیم آن را به عمل و به اجرا درآوریم. این کاری بسیار سخت، بسیار بسیار ظریف، نیازمند تجربه، دقت و بسیار زمان‌بر است. این قسمت کار اصلاً در نواختن پیانوی تکنوازی وجود ندارد چون پیانیست تنها است و در رابطه با کس دیگری نمی‌نوازد.»

مهرشید در ادامه می‌گوید: «البته این روشن است که از نظر بصری دیدن دو پیانیست دو قلوبی بسیار می‌تواند جذابیت داشته باشد. ما به مخاطب در این مورد حق می‌دهیم، چون حرکت سریع انگشتان روی پیانو و شباهت صورت‌هایمان آنها را به وجد می‌آورد و همین است که باعث حیرت و تعجب بسیاری از شنوندگان می‌شود! جالب است بدانید که قبل از تشکیل گروه دونوازیمان در سال ۲۰۱۰ و نیز بعد از آن، همیشه تکنوازی می‌کردیم و در کنسرت «هفت مینیاتور» هم من و هم هورشید، به صورت سولو به تکنوازی قطعاتی از آهنگسازان ایرانی می‌پرداختیم.

هورشید با اشاره به سختی کارشان از چالش‌هایی که در طول کار داشته‌اند بیشتر سخن می‌گوید و نواختن موسیقی را مثل رفتن به یک سفر تشبیه می‌کند. او می‌گوید: «اینکه با کسی همسفر شوید که دوستش دارید، به او اطمینان دارید و خوب می‌شناسیدش، لذت بسیار دارد! در دو نوازی هم باید کاملاً به هم اطمینان کنیم و مخصوصاً به هنگام نواختن از حفظ! اطمینان کردن به دیگری در زمان اجرای روی صحنه، همیشه یک چالش است که آن را با تمرینات زیاد و متدهای تمرینی مختلف در طول دوران آمادگی برای کنسرت، حل می‌کنیم.

او ادامه می‌دهد: همان طور که گفتیم، تبادل نظر و رسیدن به یک نقطه مشترک همیشه از چالش‌های دونوازی است چون، خوب می‌دانید که روش‌های مختلفی برای رسیدن به یک صدا می‌توان داشت، کاراکترهای مختلفی می‌شود به یک قطعه داد و اجراهای بسیار متعددی می‌شود از یک جمله موسیقی ارائه کرد. البته این موضوع برای همه رشته‌های همناواری و گروه‌های موسیقی مجلسی صدق می‌کند و نواختن چهار دستی پیانو فرقی در این مورد با آنها ندارد. خوشبختانه هم من و هم مهرشید، تجربه نواختن با سازهای دیگر را هم داشته‌ایم. این تجربه خیلی به ما در دونوازی کمک کرده است.

در پاسخ به این سوال که راز علامت‌هایی که در طول اجرای برنامه به هم می‌دهید چیست، مهرشید گفت: «منظور از این علامت‌ها، همان ارتباط برقرار کردن «غیر کلامی» در حین اجرا است. این ارتباطات غیر کلامی، امری بسیار مهم، دقیق و حیاتی است که از اولین مراحل آمادگی یک قطعه موسیقی، تا تمرین‌های تکنوازی و بعد دونوازی، و تا مرحله آخر، یعنی کنسرت دادن، مورد بحث و تغییر قرار می‌گیرد. ارتباط غیر کلامی باعث اطمینان دادن به یکدیگر در حین اجرا، تغییر سرعت قطعه، ترسیم کردن جمله موسیقایی و بسیاری موارد دیگر می‌شود. این ارتباط غیر کلامی به خاطر حس عاطفی بسیار نزدیکی که با هم داریم، برایمان بسیار مهم است، هم در حین اجرا و هم در حین تمرین.»

مهرشید در ادامه از رقابت مثبتی که در کار با خواهرش دارد می‌گوید: «ما همیشه با هم در یک رقابت بسیار دوستانه بودیم. هر دوی ما از بچگی به پیانو علاقه داشتیم و به خاطر کمک‌های بی‌دریغ مادر و پدرمان توانستیم هر دو در این رشته تحصیل کنیم، هم در اروپا و هم در کانادا و به این ترتیب موسیقی روزانه همراه ما باشد، هم برای تدریس و هم برای نوازندگی.»

همین جا از همه معلمان و استادانمان که ما را در این راه زیبا و پر از جذابیت، در دنیای موسیقی، همراهی و هدایت کردند، تشکر می‌کنیم.

ما سعی می‌کنیم تمام مدت از همدیگر یاد بگیریم، دانسته‌هایمان را با هم به اشتراک بگذاریم تا هر دو هم‌سطح با هم پیشرفت کنیم و از نظریه هنری و آموزشی به مراحل بالاتر دست پیدا کنیم.

هورشید در پاسخ به این سوال که در این کنسرت قرار است چه قطعاتی را بنوازید و از چه کسانی گفت: «در این کنسرت قطعه «کاشی‌ها» برای پیانو چهار دست از آهنگساز برجسته کانادایی، «تیم برادی» را اجرا خواهیم کرد. این اثر را، آقای برادی به سفارش ما آهنگسازی کرده و به مناسبت دهمین سال تاسیس گروه دونوازی پیانومان TwinMuse و برای پیانوی سولو، من اثر زیبایی «افسانه ایرانی» و «پرلود» از آهنگسازی ایرانی - فرانسوی امین الله حسین را اجرا می‌کند و مهرشید «داستان‌های کوتاه» و «نامه» از آهنگسازی ایرانی مکتب وین، علیرضا مشایخی. هر دوی این آهنگسازان به نحوی از رنگ صوتی و حتی تکنیک نوازندگی بعضی از

سازهای سنتی ایرانی مثل سنتور و کمانچه برای آهنگسازی این قطعات با خلاقیت بسیار الهام گرفته‌اند. نتیجه آن از نظر تولید صدا روی پیانو ترکیب بسیار زیبایی به وجود می‌آورد که شنوندگان خیلی از آن لذت خواهند برد.

برای آفرینش این کنسرت ما به ادبیات غنی ایرانی نیز روی آوردیم، مخصوصاً به اشعاری از «منطق الطیر عطار»، شاعر ایرانی قرن دوازدهم. در یک ترکیب بسیار زیبایی به دو زبان فارسی و فرانسه، یک کنسرت به یاد ماندنی به شنوندگان اهدا خواهیم کرد. در این کنسرت چند رسانه‌ای، علاوه بر ادبیات فارسی، ویدیو نیز نقش مهمی را اجرا می‌کند.»

او در ادامه با اشاره به این که نام کنسرت «هفت مینیاتور» است صحبت و از معنی کلمه هفت و قداستش چنین گفت: «به چند دلیل. عدد هفت در هنر و فرهنگ ایران سمبل خاصی دارد؛ «کاشی‌ها، مجموعه‌ای از هفت مینیاتور» اسم قطعه اختصاصی است که تیم برادی برای من و مهرشید ساخته، به مناسبت ده سالگی تاسیس گروه دوئت نوازی‌مان؛ پرندگان شعر منطق الطیر از هفت وادی عبور می‌کنند تا به مقصد برسند؛ واژه مینیاتور در این جا به عنوان یک سبک هنری از آن نام برده شده و نیز یکی از مهمترین اشکال هنر ایرانی است. همه این موارد و نیز با در نظر گرفتن ایده اصلی این کنسرت که تلفیق هنر شرق و غرب و آفرینش کنسرتی چند رسانه‌ای است، اسم این کنسرت را «هفت مینیاتور» گذاشتیم. به علاوه اسمی که انتخاب کردیم می‌خواستیم در هر سه زبان به خوبی خوانده شود. مینیاتور به زبان فارسی فرانسه یا انگلیسی به یک شکل تلفظ می‌شود!»

مهرشید در پاسخ به آخرین سوال سخت‌ترین اجرای کاریتان چه بوده و چرا، گفت: «به جای سخت‌ترین، بهتر است بگوییم پرکارترین قطعه‌ای که تا به حال اجرا کرده‌ایم، که آن «پرستش بهار» از ایگور استراوینسکی بوده که به صورت چهار دست آن را برای رسییتال دکترایمان اجرا کردیم. خیلی خوشحال هستیم که توانستیم با شرکت بزرگ دولتی فیلم کانادا ONF هم همکاری کنیم و موسیقی فیلم کوتاه «کودا CODA» را در همین اکازیون ضبط و اجرا کنیم. این فیلم به کارگردانی دنی پولان، و موسیقی استراوینسکی با اجرای پیانوی چهار دست هورشید و من جوایز بسیاری از فستیوال‌های مختلف در سراسر دنیا دریافت کرده است.

هورشید هم در آخرین سوال من از برنامه‌های بعدی‌شان خبر داد و گفت: برنامه بعدی ما اجرای کنسرت هفت مینیاتور در فرانسه و چند شهر دیگر در اروپا است که به زودی از تاریخ دقیق آن خبردار خواهیم شد. به علاوه در سال جاری، آثاری که در کنسرت اجرا می‌کنیم را ضبط و در بازار عرضه خواهیم کرد.